

درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور

سعید فراهانی فرد*

چکیده

رشد فزاینده اقتصادی که مهم‌ترین ارمغان پیشرفت فن‌آوری است، پیامدهایی را در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. از بین رفتن گونه‌های گیاهی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست محیطی، از بین رفتن منابع پایان‌پذیر و در معرض خطر قرار گرفتن منابع تجدیدپذیر، بخشی از نگرانی پدید آمده بود. از طرف دیگر، افزایش شکاف طبقاتی به‌رغم پیشرفت‌هایی جدی که در عرصه اقتصاد به وجود آمده بود نیز نگرانی عدالت‌دوستان را برانگیخته بود. این نگرانی‌ها سبب شد تا توسعه پایدار در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گیرد.

در این مرحله، ضمن تأکید بر اصل کارایی به‌صورت اصل تحقق توسعه، در جهت پایداری آن بر دو نکته احترام به محیط زیست و عدالت بین نسلی تأکید شده است. ملاحظه اصولی که چارچوب کلی توسعه‌یافتگی را در نظام اقتصادی اسلام ترسیم می‌کند، به همراه دورنمای جامعه آرمانی مهدوی، نگرانی‌های موجود درباره آینده توسعه‌یافتگی را مرتفع می‌سازد.

این مقاله ابتدا به تعریف توسعه پایدار و ویژگی‌های آن می‌پردازد؛ سپس با طرح اصول پیش‌گفته ادعا می‌کند که ظرف تحقق کامل این اصول و نهادها، جامعه مهدوی و زمان ظهور حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است. بعد با استفاده از آموزه‌های دینی به‌ویژه روایات مربوط به عصر ظهور، خصوصیات جامعه توسعه یافته در آن زمان را به بحث می‌گذارد. به نظر می‌رسد در چنین جامعه‌ای دل‌نگرانی‌های موجود درباره پایداری توسعه و آثار تخریبی توسعه یافتگی بر محیط زیست و نیز بی‌عدالتی در بهره‌مندی از مواهب توسعه وجود نداشته باشد و با توجه به آرمانی بودن این جامعه، لازم است جهتگیری فعالیت‌های اقتصادی جامعه اسلامی در سمت تحقق توسعه پایدار باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، جامعه مهدوی، عدالت بین نسلی، محیط زیست.

مقدمه

بحث توسعه اقتصادی به‌صورت سازمان‌یافته با کتاب ثروت ملل آدام اسمیت (۱۷۷۶) درباره اقتصاد انگلستان آغاز شد. و پس از آن، در فاصله زمانی طولانی، دوران رکود و رخوت را پیمود. پس از جنگ دوم جهانی، رشد خودجوش کشورهای جهان سوم بدون اتکا به کمک خارجی، موضوع اصلی این دانش شد. سرمایه، اساسی‌ترین عامل توسعه یافتگی، و خروج از دایره فقر تلقی می‌شد. افزون بر این، تا اوایل دهه ۱۹۷۰ توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه بود و در کشورهای اروپایی به‌طور عمده به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود.

رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت تکنولوژی بود پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به‌تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. از بین رفتن گونه‌های حیاتی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست محیطی، آلودگی هوا و گرم‌شدن زمین در اثر آسیب لایه ازن، از بین رفتن منابع پایان‌پذیر و در معرض خطر قرارگرفتن منابع تجدیدپذیر بخشی از نگرانی پدید آمده بود. این نگرانی از این جهت بود که اولاً رشدی که با چنین سرعتی

جهتگیری شده است نمی‌تواند پایدار باشد ضمن این‌که چنین رشدی نمی‌تواند هدف رفاه و آسایشی را که برای رسیدن به آن طراحی شده بود فراهم کند. از طرف دیگر، افزایش شکاف طبقاتی به‌رغم پیشرفت‌هایی جدی که در عرصه اقتصاد پدید آمده بود نیز نگرانی عدالت‌دوستان را برانگیخته بود. بعد از مدتی نزاع تمام‌نشدنی بین طرفداران رشد اقتصادی و عدالت توزیعی، جامعه علمی به‌سمت توسعه انسانی گرایش یافته، کنار رشد، توجه به شاخص‌های آموزش و سلامت عمومی را نیز مورد توجه قرار داد. این شاخص‌ها به نوعی به دنبال تحقق نمودهای عدالت در جامعه بودند. به دنبال آن شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل شده ابعاد دیگری از عدالت از جمله عدالت توزیعی، عدالت جنسیتی و ... را دنبال کردند؛ اما همچنان این مباحث درون یک نسل مطرح بود و نگرانی درباره سرنوشت نسل‌های آینده و سهم آنان از مواهب طبیعی خدادادی که در مسیر بهره‌برداری بی‌حساب در نسل موجود قرار گرفته، به قوت خود باقی بود. این دل‌مشغولی‌ها زمینه بحث و گفت‌وگوهای فراوانی را درباره عدالت بین نسلی و این‌که نعمت‌های خداوند به همه نسل‌ها تعلق دارد، و نسل‌های بعدی را نیز باید در منافع حاصل از رشد اقتصادی سهیم کرد، فراهم آورد.

در مجموع این نگرانی‌ها باعث شد توسعه پایدار به‌صورت یکی دیگر از ابعاد قابل توجه در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گیرد.

نخستین نکته مورد توجه در ادعای طرفداران توسعه پایدار احترام به محیط زیست به‌صورت جزء جدانشدنی از توسعه اقتصادی است. برخورداری عموم مردم از مواهب و منافع توسعه و توجه به منافع نسل‌های آینده به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع طبیعی دومین نکته قابل توجه در بحث توسعه پایدار است.

ملاحظه اصولی که چارچوب کلی توسعه‌یافتگی را در نظام اقتصادی اسلام ترسیم می‌کند به همراه دورنمای جامعه آرمانی مهدوی، نگرانی‌های موجود درباره آینده توسعه‌یافتگی را مرتفع می‌سازد.

در این مقاله، ابتدا توسعه پایدار و ویژگی‌های آن را بیان می‌کنیم؛ سپس اصول و نهادهایی را معرفی می‌کنیم که پیش‌بینی آن‌ها در نظام اسلامی، نگرانی درباره ناپایداری

توسعه را مرتفع می‌سازد. در ادامه استفاده از آموزه‌های دینی به‌ویژه روایات مربوط به عصر ظهور، خصوصیات جامعه توسعه‌یافته در آن زمان را به بحث خواهیم گذاشت. به‌نظر می‌رسد در چنین جامعه‌ای با توجه به محدودیت‌هایی که برای توسعه و رفاه وجود داشته و نیز تربیت افراد، آثار تخریبی توسعه‌یافتگی بر محیط زیست و نیز بی‌عدالتی در بهره‌مندی از مواهب توسعه وجود نداشته باشد.

تعاریف توسعه پایدار

متداول‌ترین تعریف از توسعه پایدار، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)* ارائه داده است. کمیسیون مذکور، توسعه پایدار را بدین صورت تعریف می‌کند:

توسعه‌ای که نیازمندی‌های حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌سازد (WCED, 1987: P, 43).
 بعضی از اقتصاددانان محیط زیست نیز پایداری را بیشتر از جنبه‌های زیست محیطی نگریسته، و در تعریف پایداری گفته‌اند:

وضعیت پایدار، وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند (همان: ص ۱۱۶).

ویژگی‌های توسعه پایدار

ادبیات موجود درباره توسعه پایدار بر سه ویژگی اساسی توسعه‌یافتگی، عدالت و حفظ محیط زیست تأکید فراوان دارند.

۱. توسعه یافتگی

مهم‌ترین خصوصیت توسعه پایدار، رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه‌یافتگی است. به تعبیر دیگر باید توسعه‌ای باشد که بحث از پایداری آن شود. توسعه فرایندی است که فرصت‌ها و امکان انتخاب انسان‌ها را گسترده کرده، قابلیت‌های آنان را افزایش می‌دهد. در

* World Commission on Environment and Development (WCED).

این صورت، پایداری به معنای این است که چنین توسعه‌ای حق نسل‌های آینده نیز هست. فرصت‌ها و قابلیت‌های ایجادشده در فرایند توسعه، ابعاد گسترده‌ای دارد. جنبه اقتصادی و به تعبیر دیگر توسعه اقتصادی را می‌توان تلاش برای نیل به سطحی قابل قبول از قابلیت‌ها دانست که به منظور تأمین نیازهای بشر و رسیدن به رفاه عمومی صورت می‌گیرد. این نیازها بسته به وضعیت زمانی و مکانی ممکن است متفاوت باشد و از نیازهای ضرور زندگی (خوراک، پوشاک، سرپناه و بهداشت) تا نیازهای رفاهی (ورزش و تفریح و ...) را شامل می‌شود.

رسیدن به حد مطلوبی از امنیت، دانش، آزادی در ابعاد گوناگون آن نیز جنبه‌های دیگر توسعه‌یافتگی را تشکیل می‌دهد.

به‌طور طبیعی با توجه به محدودیت منابع طبیعی، استفاده کارآمد از منابع در این جهت ضرور به‌نظر می‌رسد. استفاده کارآمد از منابع طبیعی به معنای این است که هیچ‌گونه افراط و تفریطی در استفاده از آن‌ها صورت نگیرد؛ رفتارهای بهره‌وران براساس عدل باشد و هیچ‌گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان نباشد؛ مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است کارآمد باشد و براساس اصل شایسته‌سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست‌های مدیریتی تکیه نزنند. در این صورت با توجه به وافی بودن منابع طبیعی و این‌که خداوند متعالی تمام آنچه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، به یقین توسعه محقق خواهد شد.

۲. عدالت

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار، مسأله عدالت و عدالت بین نسلی است. در مقدمه مقاله سیر قرارگرفتن این ویژگی در ادبیات توسعه پایدار، بیان شد و چنانچه در تعریف توسعه پایدار نیز گذشت، به این ویژگی به خصوص در بعد بین نسلی آن تأکید شده است. در ادامه مقاله به تفصیل درباره عدالت در جامعه اسلامی به‌طور عام و جامعه مهدوی به‌طور خاص سخن خواهیم گفت.

۳. محیط زیست

ویژگی دیگر توسعه پایدار همچنان که در پیشینه و نیز تعاریف توسعه پایدار گذشت، فراهم ساختن محیط زیستی سالم و جلوگیری از تخریب آن است؛ زیرا حتی در صورتی که بتوانیم رشد اقتصادی را نیز محقق سازیم، بدون داشتن چنین محیطی، اسباب آسایش انسان ایجاد نخواهد شد.

اصول پیش‌بینی شده جهت تحقق توسعه پایدار در جامعه مهدوی

۱۱۶

اقتصاد اسلام

سال پنجم / زمستان ۱۳۸۴

جهت‌گیری اولیه مکاتب الهی به‌ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی او است؛ چنان‌که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بخش قابل توجهی از دوران رسالت خود را به‌ویژه در مکه به این مهم پرداخت و مهم‌ترین رسالت وصی خاتم نیز تداوم همین هدف است. انسان معتقد و تربیت شده در دامان مکاتب الهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی را درباره تضييع حقوق هم‌نوعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه به همراه نخواهد داشت. هماهنگی بین عالم تکوین، تشریح و پاداش و جزا نقش بسیار مهمی در تحقق توسعه پایدار خواهد داشت. خداوند متعالی تمام هستی را برای رفاه نوع بشر آفریده، و جهان را کارگزار و مسخر او قرار داده است و بین تمام موجودات، انسان را گرامی داشته و اشرف مخلوقات قلمداد کرده است. از طرف دیگر، قوانینی را مطابق با فطرت اولیه انسان‌ها و در جهت هدایت و نیل به کمال انسان تشریح کرده و از آن‌جا که دین اسلام دین واقع‌گرا به شمار می‌رود، متناسب با همین قوانین و نیز با در نظر گرفتن ظرفیت و توان انسان، پاداش‌ها و مجازات‌هایی برای او در نظر گرفته است.

مراجعه به آموزه‌های اسلام اصولی را تبیین می‌کند که دقت در آن‌ها نگرانی درباره پایداری توسعه را مرتفع می‌سازد. از آن‌جا که با استفاده از روایات، در جامعه مهدوی، زمینه تحقق این آموزه‌ها به خوبی فراهم است، ادعا می‌شود که در عصر ظهور، هیچ‌گونه نگرانی درباره پایداری توسعه وجود نخواهد داشت.

این اصول را در سه دسته اعتقادی، کاربردی و اخلاقی بیان خواهیم کرد.

اصول اعتقادی

این اصول، درباره جهان‌بینی و نگرش فرد مسلمان است که به‌طور کلی در مورد همه هستی و به‌صورت خاص درباره منابع طبیعی و محیط زیست وجود دارد. جهان‌بینی مسلمان که برگرفته از رهنمودهای مکتب اسلام است، در کلیه فعالیت‌های وی از جمله فعالیت‌های اقتصادی‌اش تأثیر خواهد گذاشت.

۱. خدا‌باوری و اعتقاد به عالم آخرت

۱۱۷

اقتصاد اسلام

درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور

نخستین اقدامی که پیامبران بعد از رسالت خود انجام می‌دادند، تلاش در جهت دعوت انسان‌ها به یگانگی خداوند و اعتقاد به عالم آخرت، و تقویت ایمان آنان بود. آنان به خوبی می‌دانستند که هرگاه ایمان به خداوند در دل فردی نفوذ کند، فعالیت‌های خود را همان‌گونه که خداوند می‌خواهد انجام می‌دهد و هرچه عشق و ایمان او به خداوند فزونی یابد، نافرمانی‌های او کاهش می‌یابد و اعمالش رنگ خدایی می‌یابد. از طرفی، اعتقاد به عالم آخرت نیز تأثیر فراوانی در جهت دادن فعالیت‌های افراد دارد.

در زمان حضرت مهدی علیه السلام پیروانش اعتقاد به خداوند و عالم آخرت دارند و زمینه بندگی و اطاعت در آن زمان مهیا است و در حدیثی آمده:

در صحف ادریس پیامبر آمده است: «تو [شیطان] تا زمان معینی مهلت داده خواهی شد، تا زمانی که مقدر کرده‌ام زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک کنم، و برای آن روز بندگانی انتخاب کرده‌ام که قلوبشان را برای ایمان آزموده‌ام. آنان را جانشینان در زمین قرار می‌دهم، و دینشان را پا برجا می‌کنم تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. من در آن روز تو [= شیطان] و سواره و پیاده لشکرت را همگی نابود می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۸۴).

در چنین جامعه‌ای که اعتقاد به مبدأ و معاد را در عالی‌ترین سطح دارا است، هرگونه استفاده از منابع طبیعی هدفمند و در جهت عبودیت خداوند متعالی خواهد بود. انسان در چنین عصری، هیچ‌گاه در استفاده از منابع طبیعی، حقوق دیگران را از بین نمی‌برد. کار و تلاش و آبادان کردن زمین را عبادت می‌شمارد. هیچ نعمتی از خدا را ناسپاسی نمی‌کند و

رفتار او باعث اتلاف و اسراف در آن‌ها نمی‌شود و حاصل آن جامعه‌ای آباد، پیشرفته و همراه با عدالت در همه ابعاد خواهد بود.

۲. ارزشمندی دنیا

با وجود این‌که انسان معتقد خداپاور، آخرت را در نظر دارد و سعادت واقعی را نیز در دنیای دیگر می‌داند و به‌رغم آن‌که برخی از نصوص دینی بر بی‌اعتباری دنیا، فریبندگی آن و نیز تشویق به کناره‌گیری از آن تأکید می‌ورزد، دقت در این عبارات‌ها، به‌ویژه با توجه به آیات و روایت‌هایی که زندگی دنیا را ستوده، بیانگر این است که دنیا به خودی خود ارزش دارد و نکوهش آن ممنوع است؛ ولی اگر باعث غفلت انسان و بازداشتن وی از هدف اصلی شود، نکوهش می‌شود (سیدرضی، ۱۳۷۶: حکمت ۱۳۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۸۹۵).

در جامعه مهدوی با توجه به رشد معنویت و اعتقاد به آخرت از یک طرف و فراوانی نعمت و بی‌نیازی مردم از طرف دیگر، شاهد بر این است که به‌رغم این‌که پیروان حضرت دلبسته به دنیا نیستند، از نعمت‌های آن متنعمند و چون از نعمت‌های آن به شایستگی بهره برمی‌دارند، دنیا سبب نجات و رستگاری آنان می‌شود. آنان دنیا را مزرعه آخرت و مرکب راهواری می‌دانند که ایشان را در رسیدن به هدف کمک می‌کند؛ بنابراین، هیچ‌گاه در صدد تخریب خانه خود بر نمی‌آیند و دلبستگی نداشتن به این دنیا، سبب نمی‌شود تا برای آبادی آن اقدام نکنند.

۳. خلافت و امانتداری انسان در روی زمین

خداوند متعالی، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده، و جهان را در تسخیر و به منزله امانتی در دست وی قرار داده است:

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
(جاثیه (۴۵)، (۱۲)).

خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی کنید و از فضل او بهره‌گیرید؛ شاید سپاسگزاری کنید.

انسان در جایگاه خلیفه و امین خداوند بر روی زمین مأموریت دارد از این منابع استفاده شایسته کرده، از هرگونه استفاده مسرفانه از آنها و نیز تخریب و از بین بردن آنها بپرهیزد. خلیفه خداوند هرگز در صدد بهره‌برداری انحصارگرایانه از طبیعت و تضييع حقوق دیگران بر نمی‌آید؛ بلکه حاضر است بخشی از دسترنج خود را در اختیار انسان‌های دیگر قرار دهد یا به فعالیت‌هایی اقدام کند که نتیجه آن را نسل‌های بعد می‌بینند.

نمونه کامل خلافت در وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام و از جمله حضرت مهدی علیه‌السلام متجلی است و در مراتب بعدی انسان‌هایی که در مراتب ایمانی و اعتقادی بالاتری قرار دارند، از این شایستگی بهره‌مندند و پیروان حضرت در آن زمان چنین خصوصیتی دارند.

۴. کفایت منابع طبیعی و عدم کمیابی

در اعتقادات اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد. این مسأله در آیات قرآن مورد تصریح قرار گرفته است:

وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَاتُحْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ
(ابراهیم (۱۴)، (۳۴)).

و از هرچه از او خواستید به شما عطا کرد، و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شمار درآورید. انسان به‌طور قطع ستم‌پیشه ناسپاس است.

وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان (۳۱)، (۲۰)).

و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است. از طرف دیگر سنتی که از قرآن و روایات استفاده می‌شود، این است که این نعمت‌های فراوان، در صورت شایستگی مردم و جوامع، افزونی خواهد یافت.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف (۷)، (۹۶)).

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به‌طور قطع برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

نکته قابل توجه در معنای برکت، مفهوم استمرار در آن است؛ یعنی در اثر تقوا، خداوند نعمت‌هایی بر انسان فرو می‌فرستد که دوام دارد و بدین ترتیب، هرگاه مردم یک نسل به وظایف خود درباره بهره‌برداری از منابع طبیعی عمل کنند، نگرانی درباره نسل‌های آینده وجود نخواهد داشت.

در بخش بعدی مقاله، روایاتی را می‌آوریم که شاهد بر این هستند که در زمان حضرت، زمین گنجینه‌های خود را آشکار می‌سازد؛ بنابراین، فراوانی و وفور نعمت بالفعل وجود خواهد داشت و این ویژگی با سنت پیش‌گفته نیز همخوانی دارد؛ زیرا جامعه مهدوی در درجه بالایی از تقوا قرار دارد.

بنابر آنچه گفته شد، جای این شبهه نیست که مسلمانان چون اعتقاد به وفور منابع دارند، بی‌پروا از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ زیرا استفاده درست و عادلانه از منابع شرط حتمی چنین وفوری است.

۵. عدالت

در یک نگاه کلی، و براساس اعتقاد به عدالت تکوینی، خداوند، جهان را براساس عدل آفریده است. قرآن مجید آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه‌مند و بدون هیچ‌گونه نقص دانسته، می‌فرماید:

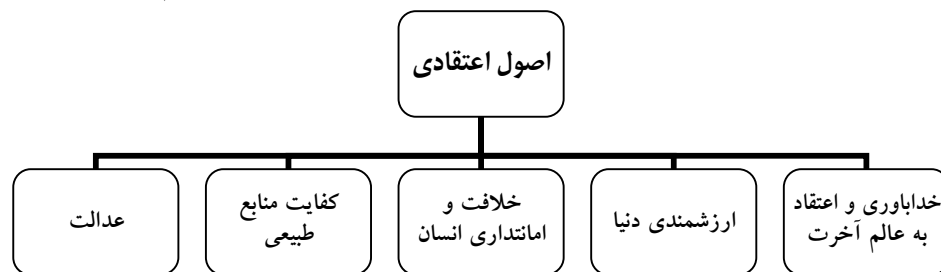
هر قدر در پی یافتن نقصان در خلقت بنگری، درماندگی و زبونی بیشتری را تجربه می‌کنی (ملک (۶۷)، ۳ و ۴)؛

بنابراین، تمام گونه‌های حیوانی و گیاهی و نیز آنچه در زمین و آسمان است، در چرخه حیات ضرورت دارد. از طرف دیگر، نعمت‌های خداوند به همه انسان‌ها تعلق دارد و حتی سایر موجودات نیز از این مواهب سهم دارند و در برخی مواقع حق آنان بر انسان مقدم می‌شود. حقوق نسل‌های آینده نیز در استفاده از منابع گوشزد شده است. بحث توزیع اولیه منابع، یکی از مباحث مورد توجه نظام اقتصادی اسلام بوده و راهکارهایی به منظور تحقق عدالت در توزیع ارائه شده است. تشریح مالکیت دولتی برای منابع طبیعی (فیء) طبق تصریح قرآن مجید به همین منظور است.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
وَأُولِي السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر (۵۹)، ۷).

آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش کرد، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نشود.

شاید مهم‌ترین خصوصیت جامعه مهدوی که روایات فراوانی نیز درباره آن آمده است، خصوصیت عدالت گستری در آن زمان باشد؛ به گونه‌ای که تعبیر به احیای جامعه در آن زمان شده است. به برخی از این روایات در بخش بعدی مقاله اشاره خواهیم کرد.



اصول فقهی (کاربردی)

هرگاه انسان در سایه آموزه‌های الهی تربیت شود، مشکلی از ناحیه فعالیت‌های او درباره طبیعت و سایر ممنوعان ایجاد نمی‌شود؛ اما با توجه به این‌که آیین اسلام فقط وضعیت مطلوب را در نظر نگرفته و می‌خواهد با جهتگیری مناسب انسان‌ها را به هدف مطلوب سوق دهد، رهنمودهایی را جهت تنظیم رفتار و روابط انسان‌ها با یک دیگر و نیز با سایر گونه‌های گیاهی و حیوانی تشریح کرده است. این رهنمودها که به صورت پیش‌فرض‌هایی در زمینه ارائه مدل مطلوب بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام و از جمله در جامعه مهدوی در نظر گرفته می‌شود، عبارتند از:

۱. قاعده لاضرر

براساس این قاعده، هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیتی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد

و در صورتی که مسبب زیان دیگری شود ولو این که این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان وارده است؛ به همین جهت، هر خانوار یا بنگاهی که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده‌سازی محیط پیرامون خود شود، از جهت شرعی ضامن است. همچنین هرگاه استفاده از منابع طبیعی به وسیله گروه یا یک نسل به تضییع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بینجامد، براساس این قاعده ضمان آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان پردازد.

۲. قاعده اتلاف

براساس قاعده اتلاف، هرگاه کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را از مالیت بیندازد، ضامن جبران آن است و در این مسأله شریک‌بودن خود فرد در آن مال تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ یعنی اگر کسی در دارایی که با دیگران شریک است بدون اجازه آن‌ها تصرف کند، در خسارتی که به آن وارد می‌کند ضامن است. در موضوع مورد بحث ما با توجه به سهیم‌بودن همه انسان‌ها در منابع زیست‌محیطی، شخص بهره‌بردار نمی‌تواند زمینه‌های تخریب، استفاده غیر بهینه و صدمه‌زدن به این منابع را ایجاد کند یا باعث آلودگی محیط زیست شود که خود یکی از منابع عمومی به‌شمار می‌رود. در غیر این صورت، در برابر حقوق دیگران ضامن خواهد بود.

۳. اصل منع از اختلال نظام

براساس این قاعده، هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل‌شدن نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال، با این که بهره‌برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام بهره‌برداری از آن مرتع و یا ... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود.

۴. قاعده اسراف

قلمرو اسراف بسیار گسترده است. اسراف ممکن است در مصرف یا تولید کالا یا

خدمت باشد؛ مانند این که کالایی را بیش از حد نیاز مصرف کنیم، از خدمات آموزشی، پزشکی و ... استفاده غیرضرور انجام دهیم و یا در به‌کارگیری عوامل تولید و خدمت، استفاده غیربهبینه کنیم. از طرفی اسراف ممکن است در مال شخصی باشد یا در مال دیگری. دیگری نیز گاهی یک فرد یا گروه است و گاهی کل جامعه. گاهی این اموال مربوط به یک نسل خاص است و گاهی تمام نسل‌ها در آن مشترکند (همانند موضوع مورد بحث ما یعنی منابع طبیعی) که هر یک از این‌ها ضمن اشتراک در اصل حرمت، در شدت و ضعف آن تفاوت دارند.

براساس مطالب پیشین هرگونه استفاده مسرفانه از منابع طبیعی اعم از کمی یا کیفی حرام بوده، ضمانت‌آور نیز هست و شریک‌بودن شخص در مالکیت این منابع، باعث نمی‌شود حکم حرمت آن برداشته شود.

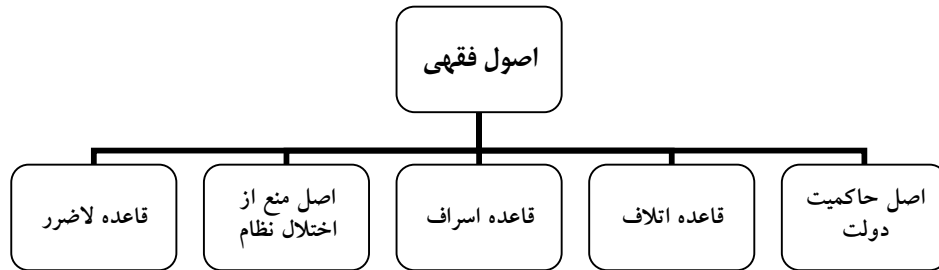
۵. اصل حاکمیت دولت

از مهم‌ترین عوامل توفیق در اجرای خوب قوانین و سیاست‌ها، وجود ضمانت اجرایی قوی آن‌ها است. اصولی که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می‌کنند؛ با وجود این، اجرای خوب این برنامه‌ها، نیازمند حاکمیت دولتی مقتدر است.

در نظام اسلامی، مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع، برای دولت است و بخش دیگری را نیز دولت به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می‌کند. برخورداری دولت از حق مالکیت یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را فراهم می‌آورد تا با برنامه‌ریزی درست، زمینه بهره‌برداری بهینه مدبرانه، و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد.

دولت مهدوی، نمونه کامل تحقق قوانین خداوند بر روی زمین است. منابع طبیعی در مالکیت حضرت قرار دارد و بهره‌برداری از آن‌ها با نظارت وی صورت می‌گیرد. آنچه از این ثروت‌ها اعم از منابع با مالکیت دولتی یا عمومی، غصب شده، و یا بنا بر مصالح غیبت در اختیار شیعیان قرار داده شده برگردانده می‌شود. حاکمیت دولت و فراهم‌شدن اسباب نظارتی چنانچه در بخش بعدی اشاره خواهیم کرد، هرگونه انحرافی را در استفاده از منابع

جلوگیری، و خسارات وارده را براساس قواعد پیش گفته مطالبه می کند.



اصول اخلاقی و ارزشی

۱۲۴

اقتصاد اسلام

افزون بر آموزه‌هایی که به صورت الزام، از جانب دین اسلام برای هدایت بشر در رسیدن به وضعیت مطلوب تشریح شده است، رهنمودهایی دیگر نیز ارائه شده که به انجام برخی امور و ترک بعضی افعال تشویق می کنند. این آموزه‌ها، گرچه ممکن است است به صورت فردی در تحقق هدف کلان بهره‌برداری از منابع کمک نکنند، با سوق دادن جامعه به سمت این ارزش‌ها، و تربیت مسلمانان در تخلق به این ارزش‌ها، نقش بسیار مؤثری در کارآمد بودن مدل بهره‌برداری، حفظ محیط زیست و عدالت بین نسلی خواهند داشت.

سال پنجم / زمستان ۱۳۸۶

۱. اصل ساده‌زیستی و قناعت

اسلام کنار تحریم اسراف، مسلمانان را به ساده‌زیستی و قناعت تشویق کرده و این‌دو خصیصه را مشخصه زندگی مؤمنان به شمار آورده است. براساس این اصل، انسان مؤمن دارای هزینه اندک است و زندگی پرمصرف، تجملاتی و همراه با ریخت و پاش ندارد و در عین حال که در بخش تولید با مراعات حداقل هزینه بیشترین و بهترین تولیدات را خواهد داشت، در بخش مصرف از مصرف معتدل و ساده‌ای برخوردار خواهد بود. با این فرض، استفاده از منابع طبیعی تا حد بسیاری خود به خود کنترل شده و نسبت به منابع طبیعی تجدیدشونده نیز توانایی تجدیدپذیری آن‌ها مراعات خواهد شد؛ افزون بر آن‌که مراعات این اصول، تخریب طبیعت و محیط زیست را به حداقل کاهش داده و جز در موارد اجتناب‌ناپذیر، آسیب جبران‌ناپذیر برای محیط زیست به بار نخواهد آورد. پیروان حضرت در عین حال که در وفور نعمت به سر می‌برند، روحیه استغنا و بی‌نیازی

نیز در آنان فزونی یافته؛ به گونه‌ای که وقتی حضرت اعلان می‌کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، کسی پیشقدم نمی‌شود (طبسی، ۱۳۸۲: ص ۱۸۵، به نقل از ابن طاووس (ملاحم)، ص ۷۱).

۲. نکوهش حرص و همچشمی مصرف

حرص در مصرف نیز همانند اسراف و اتراف، در سطح خرد و کلان پیامدهای منفی در استفاده از منابع طبیعی به همراه دارد. روایات فراوانی در نکوهش حرص وارد شده است؛ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱۲۵

اقتصاد اسلام

در آملی بر توسعه پایدار در عصر ظهور

من حرص علی الدنيا هلک (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۸۴۸۲).

کسی که بر دنیا حریص باشد، نابود می‌شود.

در جهان‌بینی اسلامی اگر انسان، چیزی را به انگیزه تفاخر بر دیگران و ابراز امتیاز و خودنمایی یا برای رقابت و همچشمی مصرف کند، نکوهش می‌شود و از انگیزه‌های منفی به‌شمار می‌رود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

من لبس ثوباً فاختال فيه، خسف الله به من شفیر جهنم و کان قرین قارون (صدوق،

۱۳۶۴ش: ص ۲۸۲).

هر کس لباسی بپوشد و در آن اظهار بزرگی کند، خداوند به وسیله آن او را از لب

دوزخ فرو می‌کشد و او همراه قارون خواهد بود.

به‌طور طبیعی و براساس آنچه در ویژگی قناعت گفته شد پیروان حضرت مهدی علیه السلام

ضمن برخورداری از نعمت به دنبال تکاثر نیستند.

۳. اصل اخوت

در آیین وحی، مؤمنان برادر یک‌دیگر (حجرات (۴۹)، ۱۱) و پیکر واحد معرفی شده‌اند؛

به گونه‌ای که کوچک‌ترین ناراحتی در یک عضو، دیگر اعضا را در ناراحتی فرو می‌برد

(کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۵۶۸). چنین روحیه‌ای فقط در سایه تربیت دینی امکان‌پذیر است

و وقتی افراد جامعه‌ای چنین نگاهی به یک‌دیگر داشته باشند، هیچ‌گاه در صدد از بین‌بردن

حقوق دیگران، به قیمت تأمین منافع شخصی خود نمی‌شوند و به همین جهت در استفاده از منابع طبیعی، و همچنین نگاهداری محیط زیست، نه فقط حقوق دیگران را حفظ می‌کنند، بلکه در مواردی از نفع خود نیز صرف‌نظر می‌کنند.

این مسأله یکی از ویژگی‌های بارز جامعه مهدوی است؛ به طوری که گفته شده در آن زمان صمیمیت افراد در حدی است که بدون منعی از اموال یک‌دیگر استفاده می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۷۲).

۴. رعایت حقوق (قانونمندی)

در اسلام، رعایت حقوق افراد جامعه اهمیت والایی دارد؛ رعایت حقوق دیگران آثار اقتصادی نیز در پی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

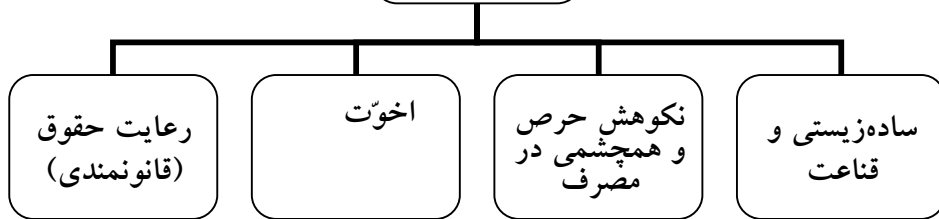
هر کس برادر مسلمانش را از مقداری از حقش بازدارد، از برکت روزی محروم می‌شود (همان: ج ۲، ص ۱۰۷۴، ح ۷۲۰۰).

امامان علیهم السلام نیز به این مسأله توجه خاص داشتند. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام در این باره بسیار مشهور است.

دایره حقوق در نظام اسلامی بسیار گسترده است و در حق انسان‌ها منحصر نمی‌شود؛ موجودات دیگر اعم از حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوقی هستند که در رساله حقوق امام اشاره شده است.

انسان‌های تربیت شده جامعه مهدوی، نه تنها حقوق یک‌دیگر را رعایت می‌کنند که آنان را بر خود ترجیح می‌دهند؛ بلکه به حقوق گونه‌های حیوانی و گیاهی نیز احترام خواهند گذاشت. در چنین جامعه‌ای کسی به دنبال بهره‌کشی و برتری طلبی بر افراد دیگر نیست. بزرگان، به افراد کوچک‌تر با دیده رحمت می‌نگرند و کوچک‌ترها بزرگان را احترام می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۸۵).

اصول اخلاقی و ارزشی



۱۲۷

اقتصاد اسلامی

درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور

ویژگی‌های جامعه مهدوی

در ادبیات دینی همواره جامعه مهدوی، جامعه‌ای آرمانی، مطلوب و الگوی ایده‌آل مسلمانان معرفی شده است و تحقق آن از وعده‌های خداوند و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام شمرده می‌شود. در روایاتی که به عصر ظهور و تشکیل دولت جهانی حضرت ولی عصر علیه‌السلام مربوط می‌شود، ویژگی‌های فراوانی برای چنین جامعه‌ای ذکر شده که تحقق جامعه‌ای توسعه‌یافته را نوید می‌دهد که به لحاظ ابتنا بر عدالت و نیز پرهیز از تخریب منابع زیست‌محیطی پایدار نیز هست. در این مقال به اختصار مهم‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌یافته مهدوی را برمی‌شماریم. برخی از این ویژگی‌ها چون رفاه عمومی، گسترش دانش و امنیت گرچه از مهم‌ترین خصوصیات توسعه‌یافتگی در سایر نظام‌های اقتصادی نیز شمرده می‌شود، حتی همین ویژگی‌ها در جامعه اسلامی به‌طور عام و در جامعه مهدوی به‌طور خاص متفاوت از نظایر آن در نظام‌های دیگر است ضمن این‌که در جامعه مهدوی، رشد معنویت و تربیت جامعه صالح در رأس اهداف نظام قرار دارد و سبب تمایز اساسی آن از الگوهای سکولار می‌شود. عدالت فراگیر و حفظ محیط زیست بر پایداری توسعه در این جامعه تأکید دارد.

۱. رشد معنویت و تربیت جامعه صالح

تفاوت اساسی راهبردهای دینی، با راهبردهای توسعه سکولار محور، در این است که

مکاتب الهی به لحاظ این که هدف اصلی خلقت انسان را تقرب به خداوند می‌دانند و معتقدند فقط اندکی از کمال انسان در این دنیا تحقق می‌یابد و بیش‌تر آن در دنیای دیگر؛ بنابر این، تأکید اصلی راهبردهای ارائه شده از جانب این مکاتب به‌ویژه دین اسلام برای توسعه، بر این است که برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف توسعه و رسیدن به آبادانی دنیا و آسایش همگانی باید با توجه به این هدف انجام شود. گسترش دانش و تأمین بهداشت و امنیت و رفاه جامعه وقتی ارزشمند است که در این چارچوب باشد نه به قیمت فدا کردن ارزش‌های معنوی و از یاد بردن هدف اصلی یعنی سعادت آخرتی؛ البته این سخن به معنای بازماندن از دانش و رفاه نیست؛ بلکه در روایات می‌خوانیم:

هرگاه انسان از راه صحیح در پی هدف اصلی خود یعنی تأمین سعادت آخرتی باشد، در دنیا نیز سعادت‌مند می‌شود (آمدی، ۱۳۶۰: ص ۲۴، ح ۳۷۵۱).

چنین هدفی که در اساس پیامبران راستین خداوند آن را به مردم ابلاغ کرده‌اند، در اثر فاصله‌گرفتن مردم از تعالیم ناب، و نیز حاکمیت غاصبانه ستمگران، به تدریج کمرنگ و در برخی نواحی به خاموشی گراییده است و بسیاری از مصیبت‌هایی که بشر امروزی به آن گرفتار است، از دورشدن از معنویات و نیز بی‌اهمیتی به تربیت خود در جهت هدفی ناشی می‌شود که خداوند متعالی برای او تعیین کرده است؛ بنابراین، حضرت مهدی علیه السلام در گام اول به این مهم اقدام، و تربیت انسان‌هایی صالح برای تشکیل نظام جهانی خود را آغاز می‌کند؛ البته طبیعی است که فلسفه انتظار زمینه چنین اقدام‌هایی را فراهم کرده و کادرهای اولیه برای این کار پدید می‌آورد. در جامعه مهدوی، صفات رذیله از جامعه رخت برمی‌بندد و زمینه گناه و جرایم اجتماعی، اقتصادی و ... از بین می‌رود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در عصر حضرت مهدی علیه السلام خداوند وحدت کلمه پدید می‌آورد، و قلوب ناسازگار را با یکدیگر الفت می‌بخشد و معصیت او در روی زمین صورت نپذیرد ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۷).

همین‌طور که در این حدیث هم اشاره شد، دشمنی و کینه بین قشرها و طبقات جامعه از بین رفته، جای خود را به محبت و فداکاری خواهد داد. از علی علیه السلام نقل شده است که ... و چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود.

این ناشی از گسترش عدالت و ایجاد رفاه عمومی بین مردم است. این صمیمیت تا حدی است که طبق برخی روایات، هر کس هرچه نیاز دارد، بدون هیچ ممانعتی از جیب دیگری برمی‌دارد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۲۴).

از طرف دیگر، در آن زمان روحیه استغنا و بی‌نیازی در مردم پیدا می‌شود؛ به‌گونه‌ای که وقتی حضرت اعلان می‌کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، کسی پیشقدم نمی‌شود (طبری، ۱۳۸۲: ص ۱۸۵، به نقل از ابن‌طاووس (ملاحم)، ص ۷۱).

۲. برقراری عدالت گسترده و همه‌جانبه

عدالت همواره در حوزه‌های گوناگون معارف بشری به‌صورت مسأله‌ای اساسی مورد توجه بوده؛ گرچه در مقام عمل و اجرا با مشکلات و موانع جدی مواجه شده است. گسترش عدل، در سراسر جهان و از بین‌بردن ستم، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آرمان‌های جامعه مهدوی نیز شمرده شده است؛ زیرا در ظرف ظهور حضرت، ظلم سرتاسر گیتی را فراگرفته و انسان‌ها با مکاتب و نگرش‌های مختلف تشنه عدالتند و خواهان و در جست‌وجوی فرد و مکتبی که این تشنگی را فرو نشاند و آتش بیدادگری را خاموش کند. امام علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ان الله یحی الارض بعد موتها» فرمود:

احیای آن به‌وسیله باران نیست؛ بلکه مردانی را می‌فرستد تا عدل را احیا کنند و به‌سبب آن زمین نیز آباد می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۱۷۴).
در روایات فراوانی نیز آمده است که حضرت پس از ظهور، زمین را از عدل و داد لبریز می‌کند؛ پس از آن که از ستم و بیداد لبریز شده باشد (همان: ج ۱، ص ۵۳۴؛ نوری، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۲۴۰).

در روایتی از امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمودند:

چهارمین فرزند از نسل من، کسی است که خداوند زمین را به‌دست او از هر ظلم و جور پاکیزه کند. او کسی است که مردم در ولادتش تردید دارند، و قبل از قیامش، در غیبت خواهد بود؛ پس زمانی که زمین به نور او نورانی شود، میزان عدل را میان مردم می‌نهد؛ پس هیچ‌کس نمی‌تواند به دیگری ستم روا دارد (اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۵۲۴).

در گستردگی عدالت در زمان وی امام صادق علیه السلام فرموده است:

زمانی که حضرت قیام کند، ... سوگند به خدا! عدالت درون خانه‌های مردم جای می‌گیرد؛ همچنان که سرما و گرما داخل خانه‌های آنان می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱).

این تعبیر کنایه از گستردگی و فراگیر بودن عدالت است؛ به طوری که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌ها توسعه پایدار، یعنی عدالت در همه ابعادش، اعم از استفاده از منابع طبیعی، برابری در فرصت‌ها، برخورداری از ثروت و درآمد عادلانه، برای همه افراد جامعه چه در این نسل یا نسل‌های بعد، در جامعه مهدوی تحقق می‌یابد و مردم از شهد آن متنعم خواهند شد؛ به همین جهت در روایت آمده عدالت از غسل شیرین‌تر است و فقط کسی که عدالت را نیک می‌داند، آن را اجرا می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۵۴۱). این حدیث بدین حقیقت که اجرای عدالت فقط در سایه نظام امامت امکانپذیر است، اشاره می‌کند و این نظام به شکل کامل آن، زمان حضرتش محقق خواهد شد.

۳. رفاه عمومی

در نگاه اسلام، بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند در این دنیا نه تنها با سعادت انسان در دنیای دیگر منافات ندارد، بلکه آنان که از راه‌های مشروع در پی فراهم کردن اسباب رفاه خود و خانواده خویش برمی‌آیند، مورد تشویق نیز قرار گرفته‌اند.

بر اساس معرفی پیشوایان اسلام، خداوند دنیایی آباد برای انسان در نظر گرفته و تمام اسباب راحتی‌اش را در آن آماده ساخته است. در این معرفی، دنیا جلوه‌ای محدود از بهشت قلمداد شده و به قول علامه طباطبایی رحمته الله علیه نعمت بهشتی نعمت‌های تکامل یافته دنیا است (طباطبایی، بی تا: ج ۵، ص ۲۱۲).

جامعه آرمانی امام زمان علیه السلام ویژگی‌هایی چون صفات بهشت، در حد ظرفیت انسان در این دنیا، دارد. یکی از این ویژگی‌ها که روایات بسیاری بر آن گواهند، فراوانی نعمت و برخورداری انسان از انواع نعمت‌های خداوند است.

بر اساس آنچه از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود، در بهشت محدودیتی برای نعمت‌های

الاهی وجود ندارد و آنچه دل‌ها بخواهد و دیدگان را خوش آید، در آن جا هست. وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ (زخرف (۴۳)، (۷۱).

همچنین در سخن امام صادق علیه السلام، زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم چنان بی‌نیاز می‌شوند که برای مصرف زکات نیازمندی یافت نمی‌شود. (دیلمی، ۱۳۱۸ق: ج ۲، ص ۳۸۱).

طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امت وی زمان حضرت مهدی به نعمت‌هایی دست می‌یابد که تا آن زمان سابقه نداشته است. آسمان باران رحمتش را بر آنان بیارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۷۸).

۴. توسعه دانش

امروزه سرمایه انسانی کارآمد نقش بسیار مهمی در جوامع توسعه‌یافته دارد؛ به همین جهت دولت‌ها به‌طور معمول در صدد گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی به منظور کارآمد ساختن مدیریت‌ها و نیروی کار و افزایش بهره‌وری در اقتصاد هستند.

اسلام بر دانش و فراگیری آن تأکید فراوان کرده است؛ برای مثال یکی از معصومان علیهم السلام می‌فرماید:

دانش را فرا گیرید؛ هر چند به بهای فرورفتن در گرداب‌ها و ریختن خون قلب‌هایتان باشد (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۵۴۳۸).

یکی از خصوصیات جامعه مهدوی نیز فراوانی دانش مردم در این زمان است. دانش در زمان او به بلوغ خود می‌رسد. این پیشرفت هم در زمینه علوم مادی اتفاق می‌افتد و هم در ناحیه علوم الهی و معارف دینی. این ویژگی که خود یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی شمرده می‌شود، زمینه‌های رفاه و فراوانی نعمت را نیز فراهم می‌سازد. این دانش سبب می‌شود مردم بهتر بتوانند از نعمت‌های خدادادی استفاده کنند. از اسراف و اتلاف در منابع و عوامل تولید پرهیز شده و سطوح رفاه بالاتری را برای مردم به ارمغان می‌آورد.

درباره افزایش دانش عمومی امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذاشته، عقل آنان را متمرکز می‌کند و درک آنان را به کمال می‌رساند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۲۸).

در نسخه دیگری این روایت چنین نقل شده است:

اخلاق مردم به‌واسطه آن حضرت کامل می‌شود (همان: ص ۳۳۶).

دامنه گسترش علوم چنان گسترده خواهد بود که طبق حدیث امام باقر علیه السلام حتی خانم‌های خانه‌دار از دانشی در حد اجتهاد بهره‌مند خواهند شد (همان: ص ۳۵۲، ح ۱۰۶). در حدیثی که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده، در می‌یابیم که در عصر ظهور، زمین به نور حضرتش نورانی می‌شود و بندگان خدا از نور خورشید بی‌نیاز خواهند شد که شاید اشاره به قدرت فوق‌العاده فن‌آوری و استفاده از انرژی‌هایی است که تا به حال کشف نشده باشد (اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۴۶۴).

در حدیث دیگری شبیه این حدیث از امام صادق علیه السلام از گسترش بزرگ مخابرات و ارتباطات خبر داده می‌شود؛ به‌نحوی که افراد در شرق و غرب عالم می‌توانند همدیگر را از دور دست‌ها نظاره کنند (همان: ص ۳۹۱، ح ۳۱۲).

۵. برقراری امنیت

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی، برخورداری از سطح مطلوبی از سلامت و امنیت است. افزون بر آن، تأمین امنیت اقتصادی یکی از عوامل اساسی جذب سرمایه‌های ملی به سوی تولید شمرده می‌شود.

بی‌تردید تحقق توسعه در نظام اسلام، بدون توجه به این هدف امکانپذیر نیست. امامان علیهم السلام نیز با تعبیر گوناگونی از آن یاد کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام آسایش زندگی را در سایه امنیت قابل تحقق می‌داند (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۵۴۳۸).

در جامعه امام زمان برقراری امنیت کامل است. در آن جامعه بندگان خدا هیچ نگرانی و هراسی ندارند و خدا را بر این امنیت سپاس می‌گویند.

در جامعه مهدوی، چنان امنیتی پدیدار می‌شود که هرگاه زنی به تنهایی از یک‌سوی دنیا به طرف دیگر برود، هیچ‌کس متعرض او نخواهد شد. این امنیت حتی از سوی جانوران نیز برقرار می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۱۶).

۶. حفظ محیط زیست

همان‌طور که در بخش‌های پیشین مقاله گذشت، حفظ محیط زیست و منابع زیست‌محیطی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه پایدار شمرده می‌شود و گفته شد که اصولاً یکی از عوامل اساسی توجه به مسأله پایداری توسعه، نگرانی درباره تخریب محیط زیست بوده است. دین اسلام نیز که همواره در آموزه‌های نورانی خویش مطابق با فطرت

آدمیان راه وسط را پیش گرفته است در برخورد با طبیعت و مواهب طبیعی نیز نه آنچنان دست انسان را باز گذاشته تا هر نوع تصرفی بخواهد در آن‌ها بکند و به بهای نابودی این نعمت‌های خدادادی، زندگی خود را اداره کند و تجمل بخشد و نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش دانسته، در مقابل آن به سجده بیفتد و هیچ‌گونه تصرفی در آن نکند و صرفاً به دیده تقدیس به آن بنگرد، بلکه در عین این‌که فرموده است ما همه جهان را برای آسایش انسان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایم، از طرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسته، بلکه آیه و کلمه خداوند، و موجوداتی دارای شعور نسبی که تسبیح‌گوی خداوندند معرفی کرده و برای همه آن‌ها اعم از حیوان و گیاه حقوقی در نظر گرفته، انسان‌ها را به رعایت آن حدود و حقوق دعوت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر در اثر کمی آب یا استفاده آن برای وضو یا غسل، جان حیوانی در خطر باشد، وضوگرفتن یا غسل کردن جایز نیست و وظیفه شخص تبدیل به تیمم می‌شود. آیات و روایات ضمن توجه دادن به مظاهر طبیعی، و احترام آنان، بشر را به حفاظت از منابع موجود در طبیعت و استفاده صحیح از آن‌ها تشویق، و هرگونه بهره‌برداری ناروا، اعم از اسراف و اتلاف و تزییع حقوق دیگران اعم از نسل‌های فعلی و بعدی را نهی کرده است.

در جامعه مهدوی، محیط زیست به علل فراوانی حفظ می‌شود.

۱. اشاره کردیم که زمان حضرت، مردم از جهت معنوی رشد می‌کنند و گرد معصیت خداوند نمی‌گردند؛ بنابراین، در استفاده از منابع زیاده‌روی نخواهند کرد. همچنین اتلاف این ثروت‌ها نیز به‌وسیله آنان صورت نمی‌گیرد. آلوده‌سازی محیط تزییع حق دیگران بوده، حرام شمرده می‌شود.

۲. اجرای همه جانبه عدالت و از جمله عدالت بین نسلی اقتضا می‌کند که در استفاده از منابع، به‌ویژه منابع پایان‌پذیر، مصالح نسل‌های بعد نیز در نظر گرفته شود و در مصرف منابع زیاده‌روی نشود. همچنین آلوده‌سازی محیط و تحمیل هزینه‌های اجتماعی بر دیگران، با عدالت سازگار نیست و در آن زمان رخ نخواهد داد.

۳. یکی از علل تخریب محیط زیست، کمبود بالفعل منابع زیست‌محیطی و تکاثرطلبی برخی از افراد در استفاده از این منابع است. در برخی کشورها فقر سبب می‌شود که استفاده بی‌حد از منابع تداوم یابد و بدون در نظر گرفتن منافع آیندگان به تخلیه منابع اقدام شود. در زمان حضرت از طرفی براساس روایات وارده، منابع زیرزمینی بسیاری کشف می‌شود و زمین گنجینه‌های خود را آشکار می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۱۳۰). آسمان باران خود را بفرستد (همان: ص ۷۸) و زمین نبات خود را برویاند و سرسبز و از درخت

پوشیده شود (همان: ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۴۶) و از طرف دیگر همان‌طور که اشاره شد، رشد معنوی در انسان‌ها و ایجاد روحیه قناعت و پرهیز از تجاوز به حقوق هم‌نوعان و دیگر گونه‌ها تقویت، و در نتیجه، محور اساسی حفاظت از محیط زیست که بهره‌برداری مناسب از منابع است محقق می‌شود.

۴. منابع تجدیدشونده همانند پرندگان و ماهی‌ها زیاد خواهند شد ضمن این‌که استفاده بی‌اندازه از این منابع صورت نخواهد گرفت.

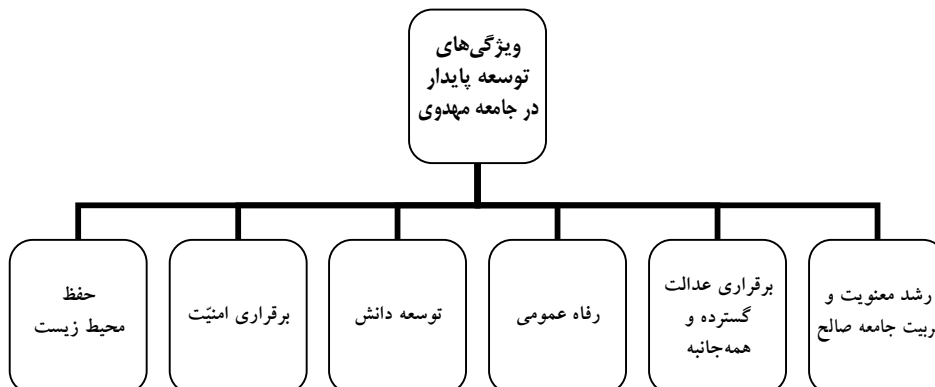
زمان حضرت، زایش پرندگان در لانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها زیاد می‌شود؛ رودها گسترش می‌یابد؛ چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دوبرابر محصول می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۳۵۴).

۵. گسترش دانش، باعث می‌شود راه‌های استفاده بهینه از منابع زیست‌محیطی شناخته، و فرایندهای تولیدی تخریب‌کننده محیط زیست کنار گذاشته شود.

۶. حاکمیت دولت مهدوی کنار تسهیل ارتباطات، نظارت دولت را ممکن می‌سازد و زمین در تحت کنترل کامل حضرت خواهد بود (صدوق، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۳۳۱) و دولت مهدوی با هدف رفاه مردم و نیز تأمین عدالت درون نسلی و بین‌نسلی، با هرگونه اقدامی که به تخریب محیط زیست و ایجاد آلودگی بینجامد، مقابله می‌کند. در روایتی که از امام معصوم، نقل شده آمده است:

وقتی امام زمان ظهور می‌کند، ... راه‌های بزرگ را توسعه می‌دهد ... و مساجد سر راه، ناودان‌ها، بالکن‌ها و دستشویی‌هایی را که در سر راه هستند، تخریب می‌کند (نوری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷، ص ۱۲۱، ح ۱۱).

با این اوصاف، محیط زیست در محور دیگرش، یعنی پرهیز از آلوده‌سازی محیط نیز محقق خواهد شد.



نتیجه گیری

در این مقاله بر سه ویژگی اساسی در توسعه پایدار تأکید شد: اصل توسعه یافتگی، عدالت و محیط زیست. اشاره کردیم که در شریعت اسلام با پیش‌بینی اصول و نیز نهادهایی که با استفاده از آیات قران و روایات اهل بیت استخراج می‌شود، ویژگی‌های پیش‌گفته در جامعه اسلامی قابل تحقق است. با توجه به این‌که جامعه مهدوی با توجه به وعده‌هایی که از سوی پیشوایان دینی داده شده جامعه آرمانی نظام اسلامی است. به‌طور طبیعی این اصول و نهادها در بهترین صورت خود، در آن زمان تحقق یافته و زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کنند. شواهد فراوانی وجود دارد که همه حاکی از این هستند که در آن زمان، ویژگی‌های جامعه توسعه‌یافته فراهم است و این توسعه از پایداری نیز بهره‌مند خواهند بود؛ بنابراین، همان‌طور که از فلسفه انتظار می‌توان فهمید، تمام منتظران و نیز دولت اسلامی، در جایگاه دولت منتظر ظهور، وظیفه دارند تلاش در تحقق این ویژگی‌ها و حداقل ایجاد زمینه‌های آن باشند. همچنین با مطالعه آرمان‌های معرفی شده برای آن دوران، می‌توان جهت‌گیری‌های این دوران را در ارتباط با بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی استنباط کرد. به امید ظهور حضرت مهدی و تحقق جامعه مهدوی.

منابع و مأخذ

فارسی

قرآن مجید.

نهج البلاغه.

۱. پرمن، راجرز، یوما و مک گیل ری جیمز، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ ش.
۲. حکیمی، محمد، *عصر زندگی*، قم، بوستان کتاب، پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۳. ردکلیفت، مایکل، *توسعه پایدار*، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳ ش.
۴. رضایی، مجید، «مالیات‌های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت؟» نامه مفید، ش ۳۵، قم، دانشگاه مفید، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.

۶. طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی، قم، بوستان کتاب، چهارم، ۱۳۸۲ش.
۷. کورانی، علی، عصر ظهور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸ش.

عربی

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، تحقیق میرسید جلال‌الدین محدث ارموی، جامعه تهران، ۱۳۶۰ش، ج ۳.
۲. ابن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ق.
۳. اربلی ابی‌الحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمة، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ق، ج ۲.
۴. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل‌الشیعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۵. دیلمی، حسن بن الحسن، ارشادالقلوب، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چهارم، ۱۳۱۸ق، ج ۲.
۶. شیخ طوسی، تهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ق.
۷. صدوق، محمد، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، قم، مؤسسه انشر الاسلامی، اول، ۱۴۰۵ق.
۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، مؤسسه دارالکتاب، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۴ش.
۹. کلینی، یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج ۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق.
۱۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البيت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق، ج ۵.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، دارالحديث، اول، ۱۳۷۴ش.
۱۳. مفید، نعمان، الاختصاص، کنگره شیخ مفید، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ق.
۱۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷.

۱۳۶

اقتصاد اسلام

سال پنجم / زمستان ۱۳۸۴